



بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج - 5 / آذر / 1376

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام علي سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و علي اله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين. سيما بقيّة الله في الارضين.

امسال سالروز تشكيل ارتش مبارک بيست ميليوني - به فرمان امام راحل حكيم ما - با ايامي مصادف شده است كه از لحاظ تاريخي، حامل خاطره هاي بزرگي است. امروز، روز شهادت هفتمين امام معصوم، حضرت موسي بن جعفر عليه السلام است، كه من به شما عزيزان و فرزندان بسيجي ام، اين خاطره مصيبت بار را تسليت عرض مي كنم.

در روزهاي آينده هم مبعث عظيم و الهي حضرت خاتم النبيين محمد مصطفي صلي الله عليه وآله وسلم است كه پيشاپيش، اين عيد بزرگ را هم به همه ملت ايران، به همه مسلمانان جهان و بخصوص به شما جوانان عزيز بسيجي در سرتاسر کشور، تبریک مي گويم و اميدوارم كه مبعث، در دل و جان، در رفتار و جهتگيريهاي عمده زندگي شما، نقش اول و اساسي را داشته باشد.

بسيج، يكي از بركات انقلاب و از پديده هاي بسيار شگفت آور و مخصوص اين انقلاب است؛ اين هم يكي از آن گنجينه هاي معنوي بي پاياني است كه امام بزرگوار ما با ديد الهي خود و با حكمتي كه خدائي متعال به او ارزاني كرده بود، براي کشور و ملت و انقلاب ما به يادگار گذاشت.

اگر بخواهيم بسيج را در يك تعريف کوتاه معرفي كنيم، بايد بگويم: بسيج، عبارت است از مجموعه اي كه در آن، پاكترين انسانها، فداكارترين و آماده به كارترين جوانان کشور، در راه اهداف عالي اين ملت و براي به كمال رساندن و به خوشبختي نائل كردن اين کشور، جمع شده اند. بسيج، عبارت است از تشكيلاتي كه در آن، افراد متفرق و تنها، به يك مجموعه عظيم و منسجم و به يك گروه آگاه، متعهد، بصير و بينايي به مسائل کشور و به نياز ملت، تبديل مي شوند؛ مجموعه اي كه دشمن را بيمناك و دوستان را اميدوار و خاطر جمع مي كند. معنای بسيج، اين است. بسيج در حقيقت، مظهر يك وحدت مقدّس، ميان افراد ملت است. همه ميدانهائي كه بسيج در آن حضور پيدا كرده است، ميدانهائي ملي است؛ ميدانهائي مربوط به همه ملت - مثل ميدان دفاع مقدّس، ميدان سازندگي و خدمات عمومي - است. هيچ وقت کشور، از يك مجموعه عظيمي كه از بهترين فرزندان کشور و با اين خصوصيات تشكيل شده است، بي نياز نيست.

بسيج در واقع، مظهر عشق و ايمان و آگاهي و مجاهدت و آمادگي كامل، براي سربلند كردن کشور و ملت است. شما كه در بسيج هستيد، به عنوان نيروهاي مؤمن و آگاه، قدر اين خصوصيت را بدانيد. امروز سازماندهي بسيج در سراسر کشور، در حدود پنج ميليون نفر است؛ اما اين سازماندهي، يقيناً از اين گسترده تر خواهد شد. و با يك ديد وسيع كه نگاه كنيم، همه انسانهائي كه اين خصوصيات را دارند، در واقع جزو بسيجند. در حقيقت همه انسانهائي مؤمن، آگاه، بصير، عاشق، متعهد، علاقه مند و آماده به كار، در هر ميداني از ميدانها كه براي ملت مفيد است، حضور دارند، جزو بسيجند. لذا بسيج، يك نام مقدّس است.

من به شما عزيزانم عرض كنم كه يكي از برجسته ترين خصوصياتي كه ما براي فرد بسيجي قائل هستيم، عبارت است از صفا و خلوص. اخلاص و معنويت بسيجي و ارتباط با خدا در بسيجي، يك خصوصيت عمده است. من از اين اجتماع بزرگ شما استفاده مي كنم و به همه شما و همه كساني كه صدايم را مي شنوند - يا بعداً خواهند شنيد - عرض مي كنم: عزيزان من! رابطه خودتان را با خدا، هرچه مي توانيد مستحکم تر كنيد؛ بخصوص در اين ماههائي مبارك - ماه رجب و ماه شعبان - كه ماههائي دعا، استغاثه، رابطه گرفتن با خدا، و راز و نياز كردن با معشوق حقيقي



هر انسان است. در این ماهها، خود را برای ورود بر سر سفره ضیافت الهی - در ماه رمضان - آماده کنید. در ماه رمضان هم - در همه روزها و شبها - دلهایتان را هرچه می‌توانید با ذکر الهی نورانیتر کنید، تا برای ورود در ساحت مقدس لیلۃ‌القدر آماده شوید، که: «لیلۃ‌القدر خیر من الف شهر. تنزل الملائکة والروح. فیها یأذن ربهم من کل امر». شبی که فرشتگان، زمین را به آسمان متصل می‌کنند، دلها را نورباران و محیط زندگی را با نور فضل و لطف الهی منور می‌کنند. شب سلیم و سلامت معنوی - سلامّ هی حتی مطلع الفجر - شب سلامت دلها و جانها، شب شفای بیماریهای اخلاقی، بیماریهای معنوی، بیماریهای مادی و بیماریهای عمومی و اجتماعی که امروز متأسفانه دامن بسیاری از ملت‌های جهان، از جمله ملت‌های مسلمان را گرفته است! سلامتی از همه اینها، در شب قدر ممکن و میسر است؛ به شرطی که با آمادگی وارد شب قدر شوید.

دعا و توجه شما، ذکر خدا در دل‌های پاک و نورانی شما جوانان عزیز، معجزه‌ها و کارها می‌کند. خود را از اکنون آماده کنید. مخصوص این ایام هم نیست؛ در تمام عمرتان رابطه با خدا، در شما صفا و اخلاص را تقویت می‌کند و صفا و اخلاص، گره‌گشای همه کارهاست.

من از امام بزرگوار راحلمان که معلم و امام و محبوب بسیجیان کشور، بلکه محبوب همه انسان‌های پاک‌نهادی بود که دل آنان در هر نقطه دنیا، به یاد یک معنویت و حقیقتی می‌تپید، مثالی برای شما بزنم. عزیزان من! امام، آن کاری که کرد - و عظیم‌ترین کاری بود که ما در زمان معاصر و نزدیک خودمان سراغ داریم - به برکت اخلاص بود؛ اخلاص! اگر اخلاص نبود، شخصیت عظیم و جوهر مستحکم امام هم برای این که این کارها را پیش ببرد، کافی نبود. یک حکومت فاسد و ریشه‌داری را که همه قدرتهای استکبار هم از آن حمایت می‌کردند، از این سرزمین، از بیخ و بن برکنند؛ مردم را از شرّ آن حکومت راحت کند و یک حکومت الهی به وجود آورد! آن همه فساد را در جامعه با همین حرکت از بین ببرد و نفوذ دشمنان و تسلط آمریکا را که دو قرن در تحقیر ملت ایران کوشیده بودند و در عقب‌نگه داشتنش سعی بلیغ داشتند، قطع کند! اینها کارهای کوچکی نیست. بعد از پیروزی هم یک جنگ هشت ساله را که در واقع، همه قدرتهای مسلح دنیا پشتیبان جبهه مقابل ما بودند، با پیروزی ملت ایران تمام کند و این همه توطئه‌ها را خنثی نماید. این، جز به برکت اخلاص امام، ممکن نبود. بعد هم که از دنیا می‌رود، نه میلیون انسان در خیابان‌های تهران، او را مشایعت کنند، تا در مضجع و مقام ابدی، به خاکش بسپارند! اینها به برکت اخلاص بود. امروز هم بحمدالله، روزبه روز نام امام در دنیا بلندتر می‌شود و علاقه‌مندان و ارادتمندان او در اکناف عالم، روبه‌تزايدند.

اخلاص یعنی چه؟ اگر اخلاصی را که امام داشت و مایه آن، در دل همه شما هست - و مختصراً معنا خواهم کرد - شما هم داشته باشید، ما هم داشته باشیم، دست اندرکاران هم داشته باشند، امروز هم تمام توطئه‌های دشمن، نقش بر آب خواهد شد! آن سلاحی که هیچ دشمن مادی، قادر به مقابله با آن نیست، سلاح ایمان مخلصانه و عمل مخلصانه است. اخلاص یعنی این که انسان، کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه، انجام دهد. انسان برای هوای نفس، برای رسیدن به مال، به ثروت، به مقام، نام نیک، قضاوت تاریخ، برای انگیزه‌های نفسانی، برای اشباع صفت پلید حسد، طمع، حرص، زیاده‌طلبی و افزون‌طلبی کار نکند! کار را برای خدا و محض انجام وظیفه بکند. این، معنای اخلاص است. چنین کاری پیش می‌رود. این گونه کاری مثل شمشیر برنده، هر مانعی را از سر راه برمی‌دارد. امام با این سلاح، مجهز بود. بارها گفت من نسبت به نزدیکترین نزدیکان خود هم، اگر قدمی برخلاف حق بردارند، اغماض نمی‌کنم و همین‌طور هم بود. در مواقع حساس نشان داد که آنچه برای او مطرح است، انجام وظیفه است. در آشکار، در خلوت، در کارهای بزرگ و کارهای کوچک، این را نشان داد. این درسی شد برای مریدان، فرزندان و شاگردان امام که با همین سلاح در جبهه‌های جنگ، آن روز آن معجزه‌ها را آفریدند! بعضی از شما در آن میدانها بودید، خودتان از نزدیک آنها را دیدید، بعضی هم شنیدید. امروز هم به همان احتیاج است.



عزیزان من! کسی گمان نکند که توطئه دشمن، با گذشت هجده سال از پیروزی انقلاب، تمام شد؛ نه! دشمن، از مقابله با نظامی که منافع نامشروع استکبار را در منطقه، از او گرفته است، آشتی نخواهد کرد. البته به زبان، چیزهایی اظهار می کنند، ولی باطن، چیز دیگری است!

نظام اسلامی به همت والای ملت ایران و آن رهبری الهی، توانسته است الگویی در دنیا درست کند که امروز بسیاری از ملت‌های مسلمان، به آن الگو نگاه می کنند. شما خیال می کنید که استکبار، از چنین چیزی به آسانی می گذرد؟! امروز در هر جای کشورهای اسلامی و حتی بعضی کشورهای غیر اسلامی، هر ملت و هر جمعیتی که می خواهد علیه زیاده طلبیهای استکبار جهانی اعتراضی بکند، با شعار شما ملت ایران - حتی با تمسک به نام ملت ایران و به امام راحل - این کارها را می کند! آمریکا و ایادی استکباری و دنباله روها و جیره خوارهایش، از این نمی گذرند؛ مبارزه می کنند، توطئه، حيله گری، و کید و مکر می کنند. مثل این که تا به حال در این هجده سال کردند. البته کید و مکر دشمن، در مقابل آگاهی و بیداری و حضور و فعالیت درست ملت و دولت، خنثی خواهد شد و اثری نمی کند؛ اما باید بیدار بود، باید هوشیار بود، باید رابطه را با خدا قوی کرد، باید اخلاص را تقویت کرد.

من به شما عرض کنم که توطئه دشمن، در گذشته یک تفاوت با امروز داشت. در گذشته، توطئه دشمن از روی بی تجربگی بود. یعنی آمریکا، استکبار جهانی، کمپانی داران بزرگ صهیونیست و امثال آنها که می خواستند با ملت و انقلاب ایران مبارزه کنند، از روش‌های ساده تری استفاده می کردند که برای همه، قابل افشا بود. مثلاً تحریک به حمله نظامی و راه انداختن جنگ، توطئه بود؛ اما همه، این را می شناختند. توطئه روشن می شد؛ مردم به پا می خاستند و مقابله می کردند. یا مثل حمله امریکاییها به صحرای طبس و از این قبیل، آنچه که انجام دادند - محاصره اقتصادی، حملات تبلیغی و غیره - کارهایی آشکار بود. به مرور فهمیدند که نمی شود ملت ایران و انقلاب اسلامی را با این توطئه‌ها و کارها شکست داد. این تجربه، موجب شده است که روش‌های خودشان را پیچیده تر کنند. به همان نسبتی که آنها روش‌ها را پیچیده تر می کنند، ملت ایران هم بایستی هوشیاریش را بیشتر کند. جوانان بایستی آمادگی‌شان را بیشتر کنند. نه آمادگی جنگی؛ چون امروز بحث جنگ نظامی نیست. البته آمادگی رزمی هم برای روز مبادا ضروری است؛ اما آن چیزی که برای همه لازم است، آمادگی معنوی؛ یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی و حفظ وحدت، اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه ملت و دولت و شناختن چهره دشمن در هر لباسی است. دشمن با شکلهای مختلفی خود را به مقابله با انقلاب می کشاند. همیشه با لباس نظامی وابسته به فلان دولت بیگانه، جلو نمی آید.

چندی قبل، در یکی از اجتماعاتی که درباره انقلاب و خطرات انقلاب برای استکبار، در یکی از کشورهای بیگانه تشکیل شده بود، بعضی از کسانی که در آن جا سخنرانی کردند، گفته بودند که انقلاب اسلامی، به وسیله روحانیت و به پشتیبانی جوانان حوزه و دانشگاه پیش رفت و به طور کلی با تکیه به نسل جوان ادامه یافت. برای زدن و کوبیدن انقلاب هم باید از همین وسیله استفاده کنیم! باید سراغ حوزه علمیه، سراغ یک معمم و سراغ حوزه و دانشگاه برویم؛ بلکه از آن طریق بتوانیم این انقلاب را ضربه بزنیم! غافل از این که حوزه ما بیدار است، دانشگاه ما بیدار است، بزرگان ما بیدارند. کسانی که توطئه می کنند، ملت ایران را بد شناخته اند! در این توطئه ای که اخیراً نشانه‌های آن را مشاهده کردید - که من مایل نیستم در جزئیات این گونه چیزها وارد شوم - دلم نمی خواهد از کسانی اسم بیاورم؛ اما اصل قضیه را ملت ایران، باید درست توجه کند و اعماق توطئه را بداند.

عزیزان من! ما در شناختن دشمن، دچار اشتباه نخواهیم شد؛ این را دشمن بداند! خیال نکند که اگر آمدند و چند نفر آدم ساده لوح و معمم را وادار کردند که حرفی بزنند، ما اشتباه می کنیم و خیال می کنیم که دشمن ما اینها هستند! اینها کسی نیستند! دشمن، خود را پشت پرده پنهان می کند. دشمن که جلو نمی آید و خود را نشان نمی دهد. دشمن سعی می کند شناخته نشود! آن کسی که سینه سپر می کند و به خیال خود جلو می آید، یک عامل



است؛ ممکن است خودش هم نداند عامل است!

امام بزرگوار، مکرر می فرمود که گاهی دشمن با ده واسطه، یک نفر را تحریک می کند که حرفی بگوید، یا کاری را انجام دهد! اگر شما بخواهید دشمن را بشناسید، باید ده واسطه را طی کنید و بروید. دشمن انقلاب در ایران - یعنی ایادی استکبار جهانی - راحت می توانند ده واسطه پیدا کنند و خودشان را در حوزه قم، به بیچاره ای برسانند و او را به حرفی، به گفته ای و به یک موضعگیری غلط و ناشیانه وادار کنند! آن قدر در کشور، ورشکستگان سیاسی، ضربت خورده های از انقلاب، تودهنی خورده های از همین بسیج، ضربت خورده های از دادگاههای انقلاب، ساواکیهای قدیم و کسانی که امیدشان به این بود که نظام مزدور گذشته ظالم بماند و آنها از آن استفاده کنند و محروم ماندند، هستند که واسطه بشوند تا آن ده واسطه را درست کنند و خبر غلط و حرف دروغی را به فلان آدم بیچاره و مفلوک بدهند و او خیال کند که اوضاع و احوال به صورتی است که باید حالا حرفی زد؛ خودش و دیگران و زن و بچه خود را به بلا بیندازد!

باید هوشیار بود. من امیدوارم که ملت ایران در شناخت دشمن، اشتباه نکند و دشمن را بشناسد. دشمن، استکبار جهانی و امریکاست. دشمن، صهیونیستها هستند. دشمن برای مبارزه با انقلاب، انواع و اقسام روشها را تجربه کرده است. این دفعه به خیال خود خواستند روش مؤثرتری را تجربه کنند و آن، هدف گرفتن رهبری است! یقیناً بعد از مطالعه زیاد و با اطلاع از اوضاع و احوال گوناگونی - و البته خبرهای راست و دروغی - توانسته اند به این نتیجه برسند که باید رهبری را هدف قرار داد! چرا؟ به خاطر این که می دانند در کشور، اگر یک رهبری مقتدر وجود داشته باشد، همه توطئه های آنها نقش بر آب خواهد شد؛ والا اینها با شخص، طرف نیستند! شخص، برای اینها مهم نیست؛ هر کس باشد. مگر همین کسانی که امروز به این زبان خشن حرف می زنند و این طور ناجوانمردانه سیل تهمت و افترا روانه می کنند، با امام، طرف نشدند؟! همین افراد با امام هم طرف شدند؛ دل امام را پر از خون کردند، که امام در آن نامه، به آن اشاره فرمود! همین کارها را با رهبری می کنند؛ چون می دانند رهبری در جامعه اسلامی و ایران اسلامی، گره گشاست.

رهبری، یعنی آن نقطه ای که هر جا دولت - هر دولتی در ایران - مشکلی داشته باشد، مشکلات لاعلاجش به دست رهبری حل می شود. توجه کنید؛ هر جا که تبلیغات دشمن کاری کند تا مردم را به دولتها بدبین سازد، این جا نقش رهبری است که حقیقت را برای مردم، روشن، و توطئه دشمن را بر ملا می کند. این چند ساله ندیدید که درباره دولتها، دولتمردان و مسؤولان چه می کردند و چگونه سعی می نمودند که تبلیغات دروغ و ترفندهای گوناگونی را رایج کنند تا مردم را مأیوس نمایند!

آن جایی که می خواهند مردم را مأیوس کنند، رهبری است که امید به مردم می دهد. آن جایی که می خواهند یک توطئه سیاسی بین المللی برای ملت ایران به وجود آورند، رهبری است که قدم جلو می گذارد و تمامیت انقلاب را در مقابل توطئه قرار می دهد - مثل همین قضیه اخیر اروپا که ملاحظه کردید - و دشمن را وادار به عقب نشینی می کند. آن جایی که می خواهند در بین جناحهای گوناگون مردم، اختلاف ایجاد کنند، رهبری است که می آید مایه الفت و مانع از تفرقه می شود.

آن جایی که می خواهند صندوقهای انتخابات را خلوت کنند و مردم را از حضور در پای صندوقها و رأی دادن مأیوس نمایند، رهبری است که به مردم الگو می دهد و می گوید که انتخابات وظیفه است. آن گاه مردم اعتماد می کنند، وارد می شوند و حماسه عظیمی می آفرینند. آن جایی که جایگاه ابراز نظر مردم در مسائل انقلاب است، چشم مردم به دهان رهبری است.

در زمان امام راحل این بارها تجربه کردند و به لطف پروردگار، تو دهنی خوردند. بعد از رحلت امام راحل هم با کمک مردم، با همت و با همکاری مردم، دهها بار با همین کیفیت و همین شیوه، پیوند جوشیده استوار میان مردم و



رهبری، توانسته است مشیت محکم به دهان دشمنان بزند. لذا بسیار طبیعی است که با رهبری، بد باشند و کینه عمیق داشته باشند؛ جای تعجبی ندارد. البته رهبری مقتدر؛ اگر یک رهبری بی حال، بی جان و بی حضوری باشد - که نه از جایی خبر دارد و راحت می شود ذهنش را عوض کرد؛ راحت می شود او را به اشتباه انداخت - چنین رهبری ضعیفی، چندان برایشان اهمیت ندارد. اما اگر قرار شد رهبری مقتدری که اسلام می گوید، مردم می خواهند، انقلاب طلب می کند و قانون اساسی حکم می کند، باشد، با آن مخالفند! حق دارند مخالف باشند! من تعجب نمی کنم از این که اینها رهبری را هدف قرار دهند!

البته ملت بیدارند. علما، بزرگان و مسؤولین کشور، به فضل پروردگار، مثل همیشه در نهایت هوشیاری عمل کردند و تا دیدند که توطئه است، اقدام نمودند. البته سخنرانی در دنیا زیاد است، شب نامه در دنیا زیاد است، حرف نادرست، تهمت و افترا و دروغ، کم نیست؛ اما هر تهمت و دروغی، توطئه نیست، هر شایعه ای به وسیله دشمن نیست. آن شایعه ای که توطئه دشمن است، به وسیله انسانهای خبیر و بصیر شناخته می شود.

اول کسی که در مقابل این حرفها در این چند روز - این یکی دو هفته - وارد میدان شد و حرف زد، رئیس جمهور عزیزمان جناب آقای خاتمی بود. در مصاحبه خود به شکل بسیار دقیق و هوشمندانه، آنچه را که می خواستند در ذهن مردم القا کنند، ایشان از ذهن مردم، پاک کرد، رفت و در مقابل این توطئه قرار گرفت؛ آنها هم خیلی عصبانی شدند. بعد از انتخابات ریاست جمهوری امسال که برای مردم، یک حادثه شیرین بود - سی میلیون جمعیت در انتخاباتی شرکت جویند، رئیس جمهوری را با بیست میلیون رأی انتخاب کنند، بعد دولت تشکیل شود، مجلس شورای اسلامی به تمام وزرا رأی دهد، وزرا بدون هیچ دغدغه ای در سرتاسر کشور مشغول کارشان شوند و به موقع گزارش دهند؛ اینها کارهای کوچکی نیست. اینها برای مردم، رخدادهای شیرینی است - به همین نسبت برای دشمن، تلخ بود. نتوانستند تحمل کنند. فهمیدند که این انسجام، این حرکت صحیح و عمومی و مردمی، کانونی دارد. کانون آن، وحدت ملت است؛ کانون آن، انسجام است؛ کانون آن، اعتقاد است. خواستند این اعتقاد، این ایمان و این همبستگی مردم را از بین ببرند و این طور وانمود کنند که در نظام جمهوری اسلامی، تشنّت هست!

امروز کسانی که به رادیوهای بیگانه گوش می دهند - که غالب این تحلیلهای غلط هم از رادیوهای بیگانه است - پی می برند که متأسفانه آدمهای ساده دل، عین همان را که دشمن القا و پول خرج می کند تا آن را به ذهنهای مستمعین خود برساند، قبول می کنند! اگر کسی به این رادیوها گوش بدهد، خواهد دید که غوغا می کنند تا ثابت کنند الان در نظام جمهوری اسلامی، اختلاف، دودستگی، دو جریانی و دشمنی هست و همدیگر را تحمل نمی کنند! بیچاره ها! نه ملت ایران را شناختید، نه انقلاب را شناختید، نه روحانیت را شناختید، نه مسؤولان را شناختید! با همین جهل و بی خبری بود که در انقلاب، شکست خوردید! با همین جهل و تحلیل غلط بود که هجده سال است شکست می خورید! به فضل الهی، با همین اشتباهی که می کنید، در این دفعه هم به دست مردم شکست خوردید و تا آخر، همیشه شکست خواهید خورد!

دشمن سعی کرد بگوید دو جریان است که با هم مخالفند، و بر سر اختیارات، با هم اختلاف دارند. نخیر؛ ایشان در مصاحبه، قشنگ تشریح و روشن کردند. معلوم شد که روابط، کاملاً تعریف شده و مشخص است. همه می دانند که تکلیف و وظیفه شان چیست و با همکاری و محبت، کارهای خودشان را پیش می برند. دشمن، این جا ناکام شد! بعد هم بزرگان و مراجع عظام قم ایستادند. یکی از برکات مهم الهی برای این کشور، وجود مراجع آگاه است. مرجع تقلید آگاه، برای مردم از هر نعمتی بالاتر است. مرجع تقلید آگاه، مرجعی که فریب نمی خورد، مرجعی که ذهن او را تبلیغات دشمن نمی سازد، مرجعی که تحلیل سیاسی خود را از رادیو اسرائیل نمی گیرد، خیلی ارزش دارد. دیدید که مراجع، چطور در مقابل این زرمه ها و شایعه های دشمن ساز، ایستادند؛ بعد هم حوزه و روحانیت قم، بعد هم شهرهای مهم و مختلف کشور، موضع خودشان را مشخص کردند. معلوم شد که ملت ایران، بیدار است. انصافاً، هم



ملت، هم مسؤولان و هم روحانیون، موضع بسیار خوبی نشان دادند. من از یکایک آنها تشکر می‌کنم؛ نه به خاطر شخص. عزیزان من! این جا مسأله شخص نیست. من هم مثل یکی از شما، از نظام اسلامی، از رهبری اسلامی و از ولایت فقیه به عنوان ستون فقرات این نظام، باید دفاع کنم. وظیفه من است. تکلیف شرعی است؛ مسأله شخصی نیست. به خاطر مسؤولیت سنگینی که من دارم، از همه کسانی که در این برهه، قدم در میدان گذاشتند تا حرف دشمن را در گلوئی او خفه کنند و مشت به دهان دشمن بکوبند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

همین جا می‌خواهم از همه خواهش کنم که دیگر این راهپیماییها را متوقف کنید؛ بس است. وقت برای حضور در صحنه و در میدان، در راهپیمایی برای مسائل و قضایایی که همیشه این ملت با آن مواجه است، بسیار است؛ لزومی ندارد که این راهپیماییها ادامه پیدا کند. در هر جای کشور، من خواهش می‌کنم دیگر راهپیمایی نکنند. البته گویندگان و نویسندگان، باید ذهنها را روشن کنند. تکلیف هدایت مردم، یک تکلیف الهی است. در این قضیه، ممکن است بعضی تصور کنند که به شخص، ظلم شد. اگر در این مسأله به شخص من ستمی رفته باشد و کسی ظلمی کرده باشد، من از حق شخصی خودم به طور کامل می‌گذرم و هیچ شکایتی از هیچ کس ندارم.

البته امام بزرگوار در طول ده سال، خیلی حرفها داشت که بعضی از آنها را به مردم گفت، خیلی را هم به مردم نگفت! ما هم حرفهایی داریم که اگر خدای متعال در پیشگاه خودش اجازه نطق داد، با خود او در میان خواهیم گذاشت. لزومی ندارد که انسان همه چیزها را بگوید! من مسأله شخصی در این قضیه ندارم؛ اما از حق مردم مطلقاً اغماض نخواهم کرد.

آن کسانی که خواستند خاطر مردم را مغشوش، ذهن مردم را خراب و امنیت مردم را به هم بزنند، به خیال خود خواستند مردم را در مقابل یکدیگر قرار دهند و صفوف را از هم جدا کنند. اینها به مردم خیانت کردند، به انقلاب و به کشور خیانت کردند و البته باید در چارچوب قانون با اینها رفتار شود. من خواهش می‌کنم هیچ کار و هیچ حرکت غیرقانونی نشود. هیچ کس از آحاد مردم درصدد برنیاورد که خودش برود و به خیال خود، کسی را مجازات کند؛ نه، به عهده قانون است. البته به هیچ وجه نباید انتقام گیری کرد؛ انتقام گیری چیزی نیست که جایش این جا باشد. انتقام را از دشمنان مستکبر، در جای خود باید گرفت. کسانی که از روی نادانی، نفهمی، هوای نفس زودگذر، هواهای بشری ناشی از خصال زشت و بد و حسد و غیره، اقدامی می‌کنند، شایسته این نیستند که کسی به فکر انتقام گیری از آنها بیفتد؛ لیکن قانون باید اجرا شود. اگر این کارهایی که بعضی کردند و می‌خواهند باز هم ادامه بدهند - من اطلاع دارم که باز هم برای آینده، برنامه‌هایی دارند - غیرقانونی است و اگر خیانت به مردم است - که هست - باید مسؤولین اجرایی و قضایی، وظایف خودشان را درباره اینها انجام دهند. البته من اطلاع دارم که انجام هم خواهند داد و هیچ گونه سستی‌ای در این زمینه وجود نخواهد داشت.

عزیزان من! آنچه مهم است، این است که همه آحاد ملت، بخصوص جوانان، بخصوص اعضای بسیج - بسیج دانش آموزی، دانشجویی، کارگری، صنفی و عشایری، یگانهای گوناگون بسیج - و کسانی که جزو سازمان بسیج نیستند و در واقع جزو بسیجند، همه و همه در پای انجام تکلیف، حاضر و آماده باشند؛ خودشان را برای دفاع از اسلام و انقلاب آماده کنند.

دفاع هم همیشه، با آلات قهریه نیست؛ با مشت نیست، با تفنگ نیست. گاهی دفاع، با فهمیدن است. گاهی دفاع، با زبان است. گاهی دفاع از حقیقت، با حضور در جایی است. شاید یکی از بزرگترین خدماتی که انقلاب به ملت ایران کرد، این بود که ذهنها را باز کرد، ذهنها را سیاسی کرد، چشمها را باز کرد، و همه را با مسائل کشور آشنا کرد. این آشنایی و این بصیرت، باید روزبه روز بیشتر و زیادتر شود. اگر این بشود، دشمن هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد.

شما بدانید مسؤولین کشور، همه آماده هستند برای این که وظایف خودشان را به بهترین وجهی انجام دهند. امروز مسؤولین قوه قضاییه، مسؤولین قوه مقننه، مسؤولین قوه مجریه، اعضای هیأت دولت، شخص رئیس جمهور



محترم، همه کسانی که دست اندرکارند، نیروهای نظامی و انتظامی، کسانی که در بخشهای مختلف مسؤولند، همه آماده هستند تا آنچه که وظیفه الهی و اسلامی آنهاست، انجام دهند و هیچ سستی و کوتاهی وجود ندارد. همه هم در یک جهت حرکت می کنند.

دشمن به اختلاف سلیقه درباره فلان مسأله سیاسی نگاه نکند و خیال کند که بین اینها اختلاف است؛ نه. درباره مسائل اصلی جامعه، درباره ناموس انقلاب و مسائل اساسی اسلام، هیچ اختلافی بین اینها نیست. یکپارچه اند و روحانیت معظم و بزرگان حوزه های علمیه هم مثل همیشه، در جلوی صفوف قرار دارند و حرکت می کنند. بنده از خدای متعال خواسته ام که جسم و جان ناقابل من هم در همین راه و در خدمت اسلام و ملت ایران قرار گیرد. آنچه در اختیار من وجود دارد و خدای متعال، به ودیعه به من سپرده است - جسم و جان و نیروها و همه و همه - به فضل پروردگار در خدمت این راه و در مقابله با دشمن خواهد بود. دشمن بداند این انقلاب اسلامی، همان انقلابی است که تخت امپراتوری استکبار را لرزاند و با همان قدرت، با همان هیبت، با همان هیمنه و به فضل الهی با همان پیروزیها و پیشرفتهاست. بحمدالله نیروی عظیم جوانان هم در صحنه هستند. خداوند همه شما را حفظ فرماید و دلهای نورانی شما را با انوار معرفت خود روشنتر و نورانیتر کند. ان شاءالله به همه شما لطف و فضل خود را عنایت کند و وجود مقدس ولی عصر ارواحنا فداه و عجل الله فرجه، از همه شما راضی باشد و روح مقدس امام بزرگوار، شما را مشمول دعای خود قرار دهد.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته